



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صابری

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

حديقة الذاكرين



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَدِيقَةُ الزَّاكِرِينَ

نویسنده:

یدالله بهتاش

ناشر چاپی:

سبحان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حدیقه‌الذاکرین
۷	مشخصات کتاب
۷	رباعی امام رضا
۷	مولودیه
۷	امام ثامن و ضامن
۸	مشکاة کبریا
۸	سوگند
۸	امام رضا
۸	امام رضا
۹	ولادت امام رضا
۹	امام رضا
۹	سرود امام رضا
۹	رباعی
۹	حدیث غربت
۱۰	ثامن الحجج
۱۰	زمزمه
۱۰	رباعی
۱۰	امام رضا
۱۰	امام رضا
۱۱	مصیبت
۱۱	زبان حال امام رضا
۱۱	رباعی

نوحه ۱۱

نوحه دیگر ۱۲

روضه ۱۲

نوحه ۱۲

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۲

حدیقه‌الذاکرین

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: حدیقه‌الذاکرین: گزیده اشعار پندیات، مناجات، غزلیات، مدح مراثنی در وصف چهارده معصوم علیهم السلام/تالیف [صحیح گردآورنده] بهتاش، یدالله، ۱۳۲۹؛ تدوین و تصحیح حسن ابراهیمی. مشخصات نشر: تهران: سبحان، انتشارات، ۱۳۸۳. مشخصات ظاهری: ۵۹۰ ص. شابک: ۴۵۰۰۰ ریال (گالینگور): ۹۶۴ - ۵۹۷۸ - ۴۵ - ۹ وضعیت فهرست نویسی: فاپا عنوان دیگر: گزیده اشعار پندیات، مناجات، غزلیات، مدح و مراثنی در وصف چهارده معصوم علیهم السلام. موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه ها. موضوع: چهارده معصوم - شعر. موضوع: شعر مذهبی - قرن ۱۴ - مجموعه ها. شناسه افزوده: ابراهیمی، حسن رده بندی کنگره: PIR۴۱۹۰/ب ۸۶۴ ح ۴ رده بندی دیویی: ۸۶۲۰۸/۱ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳ - ۳۷۷۰۷

رباعی امام رضا

امشب که صفا در همه جا می‌ریزد چون برگ خزان گناه ما می‌ریزد از یمن ولادت رضا رحمت حق در بزم محبان رضا می‌ریزد محبوب رضا است هر که دل ریش تر است از کعبه صفای این حرم بیشتر است اینجاست طیبی که ندارد نوبت هر دل که شکسته تر بود پیش تر است جلوه گر تا در جهان شد روی نیکوی رضا شد فلک در عبرت از سیمای دلجوی رضا از گلستان محمد شد گلی زیبا پدید طعنه زن بر نور شمس آسمان روی رضا تقی زنگی [صفحه ۴۹۲] بر روی رضا شمس امامت صلوات بر شافع ما روز قیامت صلوات در روز ولادتش که شادند همه بفرست بر این روح کرامت صلوات یا رب ز تو ما عشق و صفا می‌خواهیم در سینه‌ی ما آه و نوا می‌خواهیم یک تذکره‌ی مدینه و کرب و بلا- در روز ولادت رضا می‌خواهیم در باغ ولایت گل خشبوست رضا سرو چمن گلشن مینوست رضا نوید مشو ز در گه احسانش زیرا به جهان ضامن آهوست رضا

مولودیه

میلاد رضا امام امجد آمد هشتم ولی خدای سرمد آمد یعنی گل باغ علوی شمس شمس در جلوه به گلشن محمد آمد امشب که صفا در همه جا می‌ریزد چون برگ خزان گناه ما می‌ریزد از یمن ولادت رضا رحمت حق در بزم محبان رضا می‌ریزد

امام ثامن و ضامن

کسی که روی نیازش بر آستان رضاست ز بی نیازی سلطان ملک استغناست شه سریر امامت علی بن موسی که حاجب در دولترای او موسی است امام ثامن و ضامن رضا که در دو جهان رضای خاطر او موجب رضای خداست [صفحه ۴۹۳] سلیل ختم رسل، پیشوای اهل یقین که خاک در گه او توتیای اهل صفاست ولی ایزد منان وصی ختم رسل سیمای بوالحسن و نور دیده‌ی زهر است علیم آل محمد، کتاب ناطق حق که بحر دانش او را کرانه ناپیداست سپهر مجد و شرف، آسمان عز و وقار محیط فضل و کرم، بحر جود و کان سماست دریده پرده‌ی او هام را تجلی حق چو آفتاب که زایل کن سیاهیهاست چنانکه ماه ز خورشید کسب نور کند ز نور ایزدیش روح را صفا و جلاست بلی جهان همه روشن به نور آل علی است سرای دل همه زین نور جلوه گاه خداست دلی که روشنی از پرتو ولایت یافت جمال حق را آیینی تمام نماست به حق حق به ولای علی که در بر حق قبول ایمان موقوف بر قبول رضاست کمال دین به ولای علی و حب رضا به پیشگاه خدا و رسول شرط دعاست احمد شهن

مشکاه کبریا

فروغ روشن مشکاه کبریاست رضا نشان زنده‌ی آیات «هَلْ أَتَى» است رضا [صفحه ۴۹۴] دلیل خلقت کون و حقیقت قرآن بحار رحمت و سرچشمه‌ی بقاست رضا ضیای کنگره‌ی عرش و روشنای زمین امام هشتم و حاکم به ماسوی است رضا اساس دانش و تقوی، اصول فضل و کرم پناه امن اسیران مبتلاست رضا شگفت نیست اگر شرط وحدت است چرا که محو عشق و به دریای حق فناست رضا وجود هر دو جهان از طفیل هستی اوست مدار قطب زمین حجت خداست رضا عجب مدار اگر خاک کوی او بودیم که جان خسته‌ی ما را شفا رضاءست رضا شکوه منزلش را چه سان کنم تقریر؟ که جانشین نبی، پور مرتضی است رضا از آن خدای رضایش لقب نموده که او مشیت ازلی را بحق رضاءست رضا علاء الدین حجازی

سوگند

الا- ای که محکوم حکمت قضااست که صبرت جمیل است و نامت رضاءست رضای تو را چون که یزدان رضاءست گناهانم زدای و ثوابم بده به جان جوادت جوابم بده [صفحه ۴۹۵] ولی نعمتا من که خوار توام به خوان نعم ریزه خوار توام بین عالم ای گل که خار توام ز گلزار حُسن گلابم بده به جان جوادت جوابم بده علی بن موسی بین حال من که از بخت برگشته اقبال من شکسته است از غم پر و بال من شفایی به قلب کبابم بده به جان جوادت جوابم بده ز عمری که کردم بسی اشتباه عقوبت بسم، رنج شرم گناه مفرما ز تندی به سویم نگاه جوابی بدون عتابم بده به جان جوادت جوابم بده من آن با عطای تو پرورده ام که عمری ز غفلت خطا کرده ام کنون رو به سویت چو آورده ام رهی سوی خیر و صوابم بده به جان جوادت جوابم بده الا- ای ولایت تَوَلای من تو امید امروز و فردای من [صفحه ۴۹۶] اگر ناامید کنی وای من نصیبی ز حُسن المآبم بده به جان جوادت جوابم بده بود بر عطای تو ما را امید که هر بنده دارد به مولا امید امید کسی را مکن ناامید به امیدواری جوابم بده به جان جوادت جوابم بده به هنگام مردن به دادم برس در آن دم که کاری نیاید ز کس من و دست و دامانت ای دادرس برات نجات از عذابم بده به جان جوادت جوابم بده مؤید

امام رضا

تو آئینه طلعت کبریائی جگر پاره‌ی خاتم انبیائی تو قرآن تو توحید تو دین و تو ایمان تو زهرای مرضیه تو مرتضائی تو بدر الولایه تو شمس الاثمه تو مولا- علی بن موسی الرضائی تو طاها تو یاسین تو کوثر تو قدری تو کعبه تو مروه تو سعی و صفائی مزار تو در خاک طوس است اما تو در جان مائی تو در قلب مائی تو یار غریبانی و خود غریبی تو تنهائی و با همه آشنائی [صفحه ۴۹۷] کجا رو کنم از پی عرض حاجت تو باب المرادی تو مشکل گشائی چو برخیزم از خاک در حشر گویم علی بن موسی کجائی کجائی به جان جوادت پی باز دیدم سه جائی که خود وعده دادی بیائی سازگار

امام رضا

آن خالقی که بر تن بی روح جان دهد مهر تو رایگان به دل خاکیان دهد شخص کریم جود بلا شرط می کند آری خدا هر آنچه دهد رایگان می دهد بسیار نعمتی که خدا بی سؤال داد وصل تو را که خواسته ام بی گمان دهد یزدان ز خوان عشق تو جان را دهد غذا رزاق مهربان نه همین آب و نان دهد از خلقت تو خواست خداوند مهربان ما را کنار رحمت عامش مکان دهد گر جان دهم به یک نگهت سود با من است کالای خویش را که بدین حد گران دهد بی امتحان مرا به غلامی قبول کن رسوا شود اگر دل من

امتحان دهد دارم امید لطف تو گیرد ز دست من دامن پر ز گرد گناهم تکان دهد خواهد اگر خدای نبخشد گناه ما را چرا امام چنین مهربان دهد [صفحه ۴۹۸] آن پرچمی که بر سر بام حریم تست راه بهشت را به محبان نشان دهد روز جزا که در صف قرآن و عترتیم ما را امام ثامن و ضامن امان دهد حسان

ولادت امام رضا

مژدگان آیت رضا آمد آمر و ناهی قضا آمد شاه شاهان علی بن موسی حجت هشتمین رضا آمد کُنیت و نام و شهریاری وی راست مانند مرتضی آمد مان نجمه دمید از رخ او مه و خورشید را صفا آمد الله الله که نور شمس شمس روشنی بخش ما سوا آمد دامن نجمه مطلع الانوار زان رخ ایزدی نما آمد او بود مظهر ولا و مولا روح آئین مصطفی آمد بی ولای علی و آل علی هر عمل، باطل و هُبا آمد شاهد من، حدیث سلسله است کز آن «مِنْ شَرِطِهَا» آمد یاری از فیض مقدمش به جهان صد جهان رحمت و صفا آمد شیعه خاص و کامل الایمان زائرش از سر وفا آمد آری از فیض سبز پرچم او سرخی روی ماسوا آمد خود بدان سان که مدح و منقبتش بهترین ذکر اولیا آمد حرمش بهر ملک و ملت ما دافع فتنه و بلا آمد ما همه در پناه او باشیم کو نگهبان ملک ما آمد گل سرخ محمدی رخ اوست که فرح بخش و جانفزا آمد خوشدل [صفحه ۴۹۹]

امام رضا

تا گوهر اشکم سر بازار نیاید کالای مرا هیچ خریدار نیاید در سوز جگر مصلحت ماست که ما را غیر از جگر سوخته در کار نیاید خوارم من و در سینه‌ی من عشق شکفته است تا خلق نگویند گل از خار نیاید ای حجت هشتم که خدا خوانده رضایت مدح تو جز از خالق دادار نیاید نومیدی و درگاه تو بی سابقه باشد هر کار ز تو آید و این کار نیاید دیدم همه جا بر در و دیوار حریمت جایی نوشته است گنهکار نیاید گوئی به کجا رو کند ای همه رحمت گر بر در تو شخص گرفتار نیاید

سرود امام رضا

نجمه آورده گل در گلستان رضا شد شکوفا غنچه‌ی روی زیبا رضا ای گل محمدی یا رضا خوش آمدی ای رخ ماه رضا چشم موسی روشن است خانه‌ی هفتم امام از وجودش روشن است ای گل محمدی یا رضا خوش آمدی [صفحه ۵۰۰] پا نهاده در جهان عالم آل رسول چشمه سار مرتضی سرو گلزار بتول ای گل محمدی یا رضا خوش آمدی شیعیان را هشتمین حجت حق آمده از فلک بر خاکیان نور مطلق آمده ای گل محمدی یا رضا خوش آمدی نور ثامن الحجج در جهان روشنگر است تهنیت عاشقان بر مهدی و هم رهبر است ای گل محمدی یا رضا خوش آمدی

رباعی

بارگه رفع تو چو کعبه محترم بود چشم امید من رضا به جانب حرم بود تویی کریم اهلیت، تویی رئوف و مهربان کار من است گدائی و شیوه‌ی تو کرم بود

حدیث غربت

درون حجره‌ی غربت خدا خدا می کرد کسی که عقده‌ی دل را به مرگ وا می کرد شراره را نتوان با شراره کرد خموش به غیر زهر

که او را ز غم رها می‌کرد نماز عید چه آورد بر سرش که مدام مثال فاطمه بر مرگ خود دعا می‌کرد نیافت حاصل امنی به غیر موج خطر میان لجه‌ی غم هر چه دست و پا می‌کرد [صفحه ۵۰۱] چه جای زهر هلاهل که بر شهادت او غم مصاحبت قاتل اکتفا می‌کرد غریب و تشنه و تنها بدن کبود از زهر فتاده بود و به اجدادش اقتدا می‌کرد چو شخص مار گزیده به خویش می‌پیچید چه زهر بوده و با جان او چه‌ها می‌کرد به هر نگاه که می‌بست و می‌گشود از درد جواد نور دل خویش را صدا می‌کرد حدیث غربت این بس که پای تابوتش دویده قاتل و گریان، رضا رضا می‌کرد مؤید

ثامن الحجج

من کیستم؟ گدای تو یا ثامن الحجج شرمنده‌ی عطای تو یا ثامن الحجج بالله نمی‌روم بر بیگانگان به عجز تا هستم آشنای تو یا ثامن الحجج از کار من گره نگشاید کسی مگر دست گره گشای تو یا ثامن الحجج تا آخرین نفس نکشم دست التجا از دامن ولای تو یا ثامن الحجج خواهم ز بخت همت و از حق سعادت تا سر نهم به پای تو یا ثامن الحجج دار الشفاست کوی تو و خود تویی طبیب درد من و دوی تو یا ثامن الحجج هستی چو پاره‌ی تن پیغمبر خدا جان جهان فدای تو یا ثامن الحجج چون می‌شود که دیده‌ی من هم برد نصیب از دیدن لقای تو یا ثامن الحجج سوزد همیشه لاله صفت قلب دوستان از داغ ابتلای تو یا ثامن الحجج هم ناله با جوان دل افسرده ات جواد گردیم در عزای تو یا ثامن الحجج مؤید [صفحه ۵۰۲]

زمرمه

حریمت قبله جانم بود حب تو ایمانم تو را هر لحظه می‌خوانم رضا جانم رضا جانم منم مست ولای تو گدایم من گدای تو نهادم سر به پای تو رضا جانم رضا جانم رضا دستم به دامانت رضا جانم به قربانت بود چشمم به احسانت رضا جانم رضا جانم قبولم کن تو ای مولا به جان مادرت زهرا روا کن حاجت ما را رضا جانم رضا جانم چو من از پای افتادم نما از لطف امدادم برس شاها به فریادم رضا جانم رضا جانم

رباعی

به کویت مرغ بی بال و پر من که یک عمری گدای این درم من پناهم ده بیا خود ضامنم شو مگر مولا ز آهو کمتر من

امام رضا

ای خیره کرده نور رخت مهر و ماه را جبریل بوسه می‌زند این بارگاه را رو کرده ام بسوی تو یا ثامن الحجج بخشی مگر پناه من بی پناه را دارم بیای سلسله‌ی جهل و حرص و آزارم بدست نامه‌ی عمری گناه را [صفحه ۵۰۳] در هر بلا ولای شما تکیه گاه ماست یا رب ز ما مگیر تو این تکیه گاه را جسمم به انتظار عطایت سپید شد کی می‌دهی جواب من رو سیاه را شد حلقه‌های پنجره ات نقش دیده ام از بس که دوختم به ضریحت نگاه را اینجا همین نه روی گناهان قلم کشند سازند بر ثواب مبدل گناه را

امام رضا

ای سند نجات من و ولایت تو یا رضا صحن تو عتیق تو کعبه و کربلا رضا دلم بود به یاد تو مدینه‌الرضا رضا زیارت به دین من زیارت خدا رضا تو و کرامت مرا ز خود مکن جدا رضا رضا رضا رضا (۲ مرتبه) الا- الا ثنای تو ذکر علی الدوام من رؤوف

من! عطوف من! امید من! امام من! لحظه به لحظه دم به دم بر حرمت سلام من به غرفه‌های مرقدت خورده گره زمام من در حرمت گرفته ام ذکر رضا رضا رضا رضا رضا رضا (۲ مرتبه) ناز کنم به سلطنت اگر تو را گدا شوم نه لایقم گدا شوم گدات را فدا شوم چه می‌شود قبول تو به خاطر خدا شوم نه تو ز من جدا شوی نه من ز تو جدا شوم نه من تو را رها کنم نه تو مرا رها رضا رضا رضا رضا (۲ مرتبه) [صفحه ۵۰۴] تویی که درد روح را ز فیض تن دوا کنی عقده ز کار عالمی به یک کرشمه وا کنی کلیم را عصا دهی، مسیح را دعا کنی چه می‌شود که یک نظر به قلب سنگ ما کنی ای که به یک اشاره ات سنگ شود طلا رضا رضا رضا رضا (۲ مرتبه) تویی تویی که چون خدا نظر به بنده می‌کنی تویی که جان مرده را دوباره زنده می‌کنی تو شام تیره را سحر ز فیض خنده می‌کنی تو نقش شیر پرده را شیر درنده می‌کنی تو مور خسته را دهی بال و پرهما رضا رضا رضا رضا (۲ مرتبه)

مصیبت

کشتند غریبانه غریب الغربا را محبوب خدا بضعه‌ی پیغمبر ما را بردند به خوناب جگر اهل خراسان بر شانه‌ی خود چوبه‌ی تابوت رضا را ای اهل ولا خون دل از دیده بیارید کز زهر جفا کشت عدو شمس ولا را با خواهر او حضرت معصومه بگوئید از سوز درون تسلیت این روز عزا را امام غریبان عالم رضا به حجره‌ی غریبانه زد دست و پا اجابت شد آخر دعای غریب بمیرم برای رضای غریب نگاهش به در بود به یاد پسر به دلها شرر زد غریبانه پر زد خداوندا ندارم راه چاره جگر از زهر کین شد پاره پاره جواد ای نور چشمانم کجائی چه خوش باشد دم مرگم بیایی [صفحه ۵۰۵] بیا جان پدر با حال افکار دم مرگم سرم از خاک بردار غریبم یار و غمخواری ندارم دم رفتن پرستاری ندارم سازگار

زبان حال امام رضا

درون حجره غربت خدا خدا می‌کرد کسی که عقده دل را به مرگ وا می‌کرد شراره را نتوان با شراره کرد خموش بغیر زهر که او را ز غم رها می‌کرد نماز عید چه آورد بر سرش که مدام مثال فاطمه بر مرگ خود دعا می‌کرد نیافت ساحل امنی به غیر موج خطر میان لُجّه‌ی غم هر چه دست و پا می‌کرد غریب و تشنه و تنها بدن کبود از زهر فتاده بود و به اجدادش اقتدا می‌کرد چو شخص مار گزیده به خویش می‌پیچید چه زهر بوده و با جان او چه‌ها می‌کرد به هر نگاه که می‌بست و می‌گشود از درد جواد نور دل خویش را صدا می‌کرد حدیث غربتش این بس که پای تابوتش دویده قاتل و گریان رضا رضا می‌کرد

رباعی

غریب است و غمش مفهوم دارد نشان از مادری مظلوم دارد رضا عطر حضورش در خراسان صفای چار ده معصوم دارد محمد موحدیان

نوحه

السلام ای شهید خراسان ای پناه دل بی پناهان ای رضا جان ای رضا جان ای رضا جان [صفحه ۵۰۶] ای گل پرپر باغ حیدر پاره‌ی قلب موسی ابن جعفر ای رضا جان ای رضا جان ای رضا جان تو جگر گوشه مرتضائی تو علی ابن موسی الرضایی ای رضا جان ای رضا جان ای رضا جان جان زهرا و جان جوادت وقت مردن کن از ما عیادت ای رضا جان ای رضا جان ای رضا جان یک نظر کن بر این قلب خسته جان زهرای پهلو شکسته ای رضا جان ای رضا جان ای رضا جان مهدی خرازی

نوحه دیگر

از خراسان رسد ناله یا رضا حضرت فاطمه گشته صاحب عزا یا رضا یا رضا یا رضا عالم اهلیت مانده از زمزمه کشته شد بی گناه یوسف فاطمه یا رضا یا رضا یا رضا ناله‌ی یا بنی از نهادش رسد ای اجل مهلتی تا جوادش رسد یا رضا یا رضا یا رضا یا رضا ای فدای تو و قلب مسموم تو از مدینه رسد طفل معصوم تو یا رضا یا رضا یا رضا [صفحه ۵۰۷] خیز و بار دگر ای شه عالمین گریه کن گریه کن بهر جدت حسین یا رضا یا رضا یا رضا جسم تو محترم چون کتاب مبین جسم جدت حسین بی کفن بر زمین یا رضا یا رضا یا رضا سازگار

روضه

اجابت شد آخر دعای غریب الهی بمیرم برای غریب به دلها شرر زد غریبانه پر زد رضای غریب رضای غریب (۲ مرتبه) امام غریبان عالم رضا به حجره غریبانه زد دست و پا نگاهش به در بود بیاد پسر بود رضای غریب رضای غریب رضا دیگر افتاده از زمزمه به حجره نفس داشت که چون فاطمه به بزم عزایش بگیرم برایش رضای غریب رضای غریب

نوحه

ای خراسان کربلا- و قتلگاہت عالم و آدم گدای یک نگاهت ای رضا جان ای رضا جان ای رضا جان تو کریمی تو کریمی من گدایم سیدی از خود نگردانی جدایم ای رضا جان ای رضا جان ای رضا جان ای ز داغت بر دل عالم شراره زهر مأمون کرده قلبت پاره پاره ای رضا جان ای رضا جان ای رضا جان [صفحه ۵۰۸] حق مهمان را عجب مأمون ادا کرد میهمانش را غریبانه فدا کرد ای رضا جان ای رضا جان ای رضا جان مصطفی در ماتمت خونین جگر شد موسم طفلی جوادت بی پدر شد ای رضا جان ای رضا جان ای رضا جان

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد

بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دالود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری

مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گام‌ها



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

